

پزشکیان و پوتین در ترکمنستان دربارهٔ کریدورها و چند موضوع دیگر صحبت کردند

قول و قرار عملیاتی



خبرنگار گروه سیاست

روز گذشته ساعت رسانه‌های بین‌المللی به وقت عشق‌آباد تنظیم شد. جایی که قرار بود ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه و مهمان جلد این روزهای روزنامه‌های اروپا، با همتای ایرانی خود و دیگر مقامات حاضر در اجلاسی که با محوریت صلح برگزار شد، دیدار و گفت‌وگو کند. مسعود پزشکیان از روز چهارشنبه سفر سه‌روزه به آسیای مرکزی خود را از قزاقستان آغاز کرد و پس از دیدارهای عالی‌رتبه دو جانبه و امضای اسناد همکاری، عصر پنجشنبه «آستانه» را به مقصد عشق‌آباد ترک کرد.

یکی از مهم‌ترین بخش‌های این سفر، دیدار و گفت‌وگو ی رئیس‌جمهور با همتای روسی خود بود. پزشکیان در این دیدار تأکید کرد که تهران مصمم است توافقاتی که میان دو طرف به امضا رسیده، اجرایی و عملیاتی شود. او همچنین اضافه کرد از طرف روسی انتظار دارد، روند اجرای این توافقات را تسریع بخشد. پزشکیان همچنین از پوتین خواست اقدامات لازم را برای تسریع و شتاب‌گیری پروژه‌های مشترک از جمله «کریدور مسیر شمال

جنوب» و «شرق به غرب» را انجام دهد.

پوتین هم روابط دو کشور را بسیار مثبت و رو به گسترش خواند و اضافه کرد روابط تجاری ایران و روسیه در سال گذشته ۱۳ درصد و در ۹ ماهه نخست سال جاری نیز ۸ درصد افزایش یافته است. او همچنین اضافه کرده مسکو در حال بررسی همکاری در زمینه انتقال گاز و برق به ایران است. پوتین در پایان از پزشکیان خواست تا سلام او را به رهبر انقلاب برساند. به بهانه این دیدار، با شعیب بهمین، کارشناس مسائل روسیه به بررسی فوریت‌های روابط تهران-مسکو پرداخته‌ایم. متن این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

تحریم: اهرم تهران و مسکو

بهمین با اشاره به روابط پرفرازونشیب ایران و روسیه در طول سال‌های گذشته معتقد است که حاشیه‌های این روابط خیلی با متن آن همخوانی ندارد. او در این باره توضیح داد: «روابط عمدتاً به نحوی جلوه داده می‌شود که وقتی در آن عمیق می‌شویم، می‌بینیم تفاوت‌های خیلی جدی دارد. در شرایط فعلی، ایران و روسیه در میان محدودیت‌هایی که غرب و به‌ویژه آمریکا علیه هر دو کشور اعمال کرده، یک فرصت راهبردی و قابل ملاحظه دارند و آن محدودیت‌ها همان تحریم‌هایی است که علیه هر دو کشور اعمال شده است. امروز ایران و روسیه هر دو از فشارهای تحریمی به‌نوعی رنج می‌برند، اما درعین حال، به این دلیل که هر دو تقریباً در شرایط مشابهی از حیث تحریم قرار دارند، بنابراین محدودیتی برای توسعه روابطشان، به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی، ندارند؛ به این دلیل که هر دو تحت تحریم هستند و قاعدتاً تحریم جدیدی هم علیه آن‌ها در صورت همکاری با یکدیگر شکل نخواهد گرفت یا اگر هم شکل بگیرد، چیزی به تحریم‌های قدیمی اضافه نخواهد کرد. بنابراین، این محدودیتی که آمریکایی‌ها و غربی‌ها به شکل مجزا برای ایران و روسیه ایجاد کرده‌اند، در شرایط فعلی به یک نقطه قوت و یک فرصت متقابل در روابط طرفین تبدیل شده و خب این فرصت، فرصتی قابل ملاحظه است. اینکه ما این فرصت را مثلاً در روابط ایران با چین نداریم، چون ممکن است چینی‌ها بخواهند در خیلی از حوزه‌ها یک‌سری ملاحظات تحریمی

کشورهایی مثل قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان هم به‌شدت موردتوجه اسرائیلی‌ها قرار گرفتند. اخیراً هم دولت قزاقستان به طرح ابراهیم یا عادی‌سازی روابط با اسرائیل پرداخت، هر چند که پیش‌ازاین هم روابط بسیار گسترده داشت و بخشی از انرژی اسرائیل را عملاً قزاقستان تأمین می‌کند.

درعین حال، ایران هم همیشه روابط گسترده‌ای با کشورهای منطقه داشته، به این دلیل که کشورهای منطقه بخشی از تاریخ، تمدن و فرهنگ ایرانی هستند و پیوند‌های زیادی بین ایران و کشورهای منطقه وجود دارد. ولی نکته مهم اینجاست که هرگاه توجه ایران نسبت به کشورهای منطقه کاهش پیدا کرده، این امر باعث توسعه نفوذ اسرائیل در منطقه شده و هرگاه ایران به شکل جدی به این منطقه نگاه کرده و روابط خودش را گسترش داده، نفوذ اسرائیل کاهش پیدا کرده است؛ بنابراین این می‌شود گفت که حضور اسرائیل در سال‌های گذشته به‌ویژه در منطقه آسیای مرکزی، تابعی از حضور و نگاه ایران بوده؛ قاعدتاً هر چه که در شرایط فعلی روابط ایران با کشورهای این منطقه توسعه پیدا کند، جابرای نقش‌آفرینی اسرائیل تگ خواهد شد. این موضوع مهمی است که می‌تواند در حوزه کشورهای آسیای مرکزی برای ایران هم یک بعد پدافندی بسیار مهم باشد و حتماً ایران باید به این نکته توجه داشته باشد.»



چرا اسرائیل نگران سفر پزشکیان است؟

رسانه‌های صهیونیستی از جمله جروزال‌پست پوشش گسترده‌ای از سفر پزشکیان به آسیای مرکزی داشته‌اند و نسبت به تبعات آن ابراز نگرانی کرده‌اند. بهمین در بخش پایانی گفت‌وگو به نگرانی غرب و اسرائیل از روابط ایران با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز پرداخت. وی درباره دلیل این نگرانی توضیح داد: «اسرائیلی‌ها بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به منزله بخشی از آن دکترین اتحاد پراپونی نگاه کردند؛ دکترینی که می‌توانستند روابط خودشان را با این کشورها گسترش بدهند و تلاش‌های ارزنده‌ای برای ایجاد ارتباط گسترده با کشورهای مسلمان این مناطق صورت گرفت که در کانون آن جمهوری آذربایجان قرار داشت و بعد

این را درست کردیم.»

نوک کوه یخ سیاست خارجی ایالات متحده

دهقانی فیروزآبادی معتقد است که اشاره ترامپ به ایران در بخش‌های مختلف سند بسیار برجسته است و در این مورد توضیح داد: «در خصوص اهداف سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه، سند به چند مورد اشاره می‌کند:

۱- دشمن آشکار آمریکا نباید بر منابع انرژی تسلط پیدا کند و مقصود در منطقه بهه ایران و در نظام بین‌الملل به چین

برمی‌گردد.

۲- تنگه‌هرمز باید باز باشد که ضمیمه آن هم ایران است. عملاً تهدید می‌کند که تنگه‌هرمز خط قرمز ماست و پس از آن اشاره می‌کند که آزادی کشتیرانی در دریای سرخ خط قرمز ماست که آن هم به انصارالاله برمی‌گردد.

تا اینجا اشاره به ایران، بسیار برجسته است و در واقع هسته کانونی سند ملی آمریکا، ایران است. نمی‌توان گفت خاورمیانه ارزش و اهمیت را برای آمریکا از دست داد، پیام این سند آشکار است و می‌خواهد پیامی به آمریکایی‌ها بدهد، آنچه که در راهبرد سیاست‌خارجی آمریکا مبنای عمل قرار دارد که منتشر نمی‌کند، گاهی برای انحراف دیگران هم است. باید توجه داشت آنچه منتشر شده، نوک کوه یخ است و آنچه می‌خواهند مبنای سیاست‌خارجی قرار دهند که لزوماً این نیست.»

خاورمیانه هنوز برای آمریکا مهم است

فیروزآبادی درخصوص آنکه معماری امنیتی خاورمیانه بر مبنای این سند چگونه خواهد بود، می‌گوید: «در حوزه‌ای که به این نکته می‌پردازد که چرا خاورمیانه اهمیت قبل را ندارد اشاره می‌کند که ما پیمان ابراهیم را منعقد کردیم، شرم‌الشیخ تشکیل شده است که براساس آن خاورمیانه، خاورمیانه سابق نیست و به سمت صلح و ثبات می‌رویم و چون مدعی است ایران را تضعیف کرده، نمی‌تواند مخل نظم منطقه‌ای باشد. یکی از دلایلی که آمریکا تأکید داشت که ما باید در خاورمیانه حضور داشته باشیم این بود که آنجا رقابت ابر قدرت‌ها بود. تلو یحاً می‌گوید اکنون روی‌بیم و در حاشیه خلیج‌فارس هژمونی آمریکا را برقرار کردیم و تهدیدات آن را آماده و احاله مسئولیت می‌کنیم. پیش از این هم اشاره کردیم، نظم هژمونیک دوستونی ترامپ، بخش مالی اعراب، بخش نظامی اسرائیل حاکم است. بعد از هفت اکتبر اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها دنبال برقراری نظم هژمونیک هستند که اسرائیل به نیابت از آمریکا، نظم هژمونیک را برقرار کند. خاورمیانه هنوز برای آمریکا مهم است. مهم است به دلیل اینکه ارزش

دهقانی فیروزآبادی، استاد تمام روابط بین‌الملل در برنامهٔ «وقایع» مجلهٔ تصویری فرهیختگان از متن و فرامتن یک سند مهم گفت

ایران بازیگر مهم سند امنیت ملی ترامپ

استراتژیک در رقابت با چین دارد و اگر خلئی ایجاد شود، چین و ایران آن را پر می‌کنند. تهدایی که ترامپ به دولت‌های پیش از خودش درخصوص حضور در عراق وارد می‌کرد این بود که شما ۷ تریلیون دلار در عراق هزینه کردید و سودش را ایران برده است. بازنگری در این سیاست‌ها رخ داده است که چرا باید به گونه‌ای عمل کنیم که رقبای ما سود ببرند.»

سند امنیت ملی آمریکا فقط ایران را مشکل می‌داند

آمریکا در منطقه هنوز ایران را مهم‌ترین تهدید می‌داند، موضوعی که در سند مورد اشاره قرار گرفته و دهقانی فیروزآبادی در توضیح آن می‌گوید: «در نوشته‌ها و نا نوشته‌ها، مهم‌ترین تهدید از منظر آمریکا، ایران است. بر مبنای ترسیمی که سند از خاورمیانه می‌دهد، مهم‌ترین تهدید ایران است. اینکه بی‌ثبات‌کننده‌ترین دولت، کماکان ایران است، مورد اشاره قرار گرفته است. اینکه گفته می‌شود تنگه‌هرمز باید باز بماند هم منظور ایران است. اینکه منابع نباید به کنترل قدرت‌های متخاصم در بیاید، باید امنیت اسرائیل حفظ شود. سند می‌گوید اگر یک مشکل باشد آن ایران است، منتها ما تهدید آن را کم و ایران را تضعیف کردیم و این سند هیچ جایگاه قبلی را ندارد. با توجه به ترسیم جایگاه، رویارویی اصلی ما با آمریکا خواهد بود. آمریکا تهدید ایران را تهدیدی هویتی و گاهی تهدید ذاتی می‌داند. برخی تحلیل‌های خوشبینانه‌ای طرح شده است. من چنین فهمی ندارم. چند موردی که آمده، اشاره بسیار شدید است.»

خبری از راه‌حل نیست

سند امنیت ملی آمریکا، یک ایراد اساسی دارد و آن‌هم اینکه هیچ راه‌حلی ارائه نمی‌کند، دهقانی فیروزآبادی در تبیین ایسن ایراد گفت: «یکی از نقدها این است که این سند بیشتر مانعست و سیاست خارجی ترامپ است، راه‌حل آن کجاست؟ هیچ راه‌حلی برای حل چالش‌ها وجود ندارد. مهم‌ترین نقدی که به این سند وارد است، این است که صرفاً اعلام مواضع است و راه‌حل و پیشنهادی در آن وجود ندارد. پس از آن می‌رسم به HOT POTATO) که ما می‌گوییم شلغم داغ آن‌ها می‌گویند سبزیزمین داغ. موضوع داغ فلسطین است اینکه گفته‌شود که در شرم‌الشیخ، کشورهای اسلامی آتش‌بس ایجاد کردند، وقتی برای اصل صلح مبنایی ندارید، ناپایدار است. تا اشغالگری وجود دارد، اصل موضوع به قدرت خود باقی است. نکته دیگر آنکه برای اصل مسئله فلسطین چه راه‌حلی دارید. هفت اکتبر نتیجه سیاست‌های اتخاذ شده آمریکا بوده است. نمی‌توان گفت که یک ملتی حق حیات نداشته باشد، معامله قرن نیز که پاک‌کردن صورت مسئله فلسطین بود به این معنی که بخشی از فلسطینی‌ها را به صحرای سینا و اردن بفرستند. در مورد فلسطین نه تنها در این سند هیچ راه‌حلی ارائه شده است و در طرح صلح ۲۰ ماده‌ای هم راه‌حلی ارائه ندادند. در بخشی اشاره شده که اگر آینده شرایط خوب بود، بحث دولت مستقل هم دنبال شود. چیزی در حد شهرداری باقی بماند. چه این سند و چه طرح صلح، تا حل نشدن مسئله فلسطین قابل اجرا نیست.»

تغییرات گروه‌های وابستهٔ شرق کشور را

چطور باید تحلیل کرد؟

گرم تروریست‌ها

موتضی سیمپاری
کارشناس امنیت منطقه

گروهک تروریستی موسوم به «جیش‌العدل» مستقر در منطقه جنوب‌شرق کشور اعلام کرده که قصد دارد «تشکل گسترده‌تری» را شکل دهد. بیانیه‌ای که از سوی این گروه منتشر شده، نام سساختاری تازه (jmm) را مطرح می‌کند و مدعی است جمعی از افراد به آن پیوسته‌اند.
باین حال، بررسی‌اسامی منتشرشده نشان می‌دهد آنچه تحت‌عنوان «اتلاف جدید» معرفی شده، بیشتر یک بازآرایی تبلیغاتی است تا شکل‌گیری جریان تازه‌ای در صحنه میدانی؛ چراکه عملاً تغییری در ترکیب آن رخ نداده است. البته برای بار اول نیست که سازمان تروریستی موسوم به جیش‌العدل مدعی بسط تشکیلاتی با سایر اشرار و هسته‌های تروریستی می‌شود. این سازمان تروریستی سال ۹۳ نیز ادعا کرد با دو گروهک تروریستی دیگر (جیش‌النصر و انصار ایران) متحد شده و همه اشرار در یک گروه واحد سازمان‌دهی شده‌اند. در آن مقطع حتی برای اولین‌بار تصویری از صلاح‌الدین فاروقی، سرکرده و رهبر اصلی جیش‌الظلم نیز در یکی از صفحات تبلیغی گروهک منتشر شد. اما نکته بسیار مهم آن بود که وحدت بین هسته‌های تروریستی دوام زیادی نداشت و در اواخر زمستان همان سال، فاروقی با کشتن عبدالرتوف ریگی و محمد شفیع از سران دو گروهک انتلافی، خود را رهبر بلانمازع معرفی کرد. وحدت شکل گرفته اخیر میان جیش‌الظلم با سایر میکروگروهک‌های تروریستی را نیز باید روی همین خط تحلیل کرد.
فاروقی با ایجاد طرح اتلاف میان گروهک‌های تروریستی و تکفیری در تلاش است که به اسم «ایجاد وحدت» در میان تروریست‌ها رقبا را از میدان به در کند؛ زیرا جیش‌الظلم می‌خواهد در صحنه بیرونی تنها آلترناتیو موجود ارزیابی شود و منابع سرویس‌های اطلاعاتی متخاصم را به‌صورت کامل جذب کند.

همچنین برخی گروهک‌های متحدشده در jmm اصلاً وجود خارجی نداشته و فقط در حد دادن اطلاعاتی مطرح بوده‌اند، این سازماندهی جدید باعث می‌شود گروهک تروریستی جیش‌الظلم با داشتن هژمونی، خود را بدون رقیب فرض کرده و به‌مرور سایر مدعیان در گروهک‌های تجزیه‌طلب را حذف زیر یکی و تسویه سازمانی کند.

ری‌برندینگ جیش‌الظلم!

جیش‌الظلم در اتمسفر محلی خود یک گروهک کاملاً تروریستی با ماهیت جنایت‌کار و فاقد اقبال عمومی است. این تغییر نام و پرچم می‌تواند برای آن‌ها یک ری‌برند جدید محسوب شود، یکی از مهم‌ترین معضلات این سازمان تروریستی در سال‌های اخیر آن است که به دلیل بدنامی نتوانسته از طریق تبلیغ، رفتار پراکنسی و عملیات، برای تشکیلات خود نفر جذب کند. این یعنی گروهک فاقد پایگاه اجتماعی بوده و اصل بقای آن با خطر جدی روبه‌رو است، به همین دلیل با استخدام مزدور خارجی در دو سال اخیر تلاش کرد خود را زنده نگه دارد. استفاده از تروریست اجاره‌ای و مزدور در عملیات‌هایی تروریستی چون چابهار و زاهدان باعث شد ماهیت این گروهک آشکار شود و در سطح پروکسی و پروژه اطلاعاتی بیگانه در شرق کشور تعریف شود. البته این تغییروتحول شکل گرفته از نظرگاه ادراکی دارای چند ملاحظه قابل‌توجه است؛ اولین موضوع آن است که سازمان جدید تروریستی شکل گرفته در تلاش است انگاره ذهنی از ابو‌محمد جولانی در سوریه را برای مخاطب شکل بدهد، با این پیش‌فرض که تحریرالشام نیز یک سازمان تروریستی ادغامی در ادلب بوده است. دومین موضوع تمرکز روی مسئله «زنان» است که تازه‌حال در سازمان ستی این گروهک تروریستی به آن توجهی نشده است. جیش‌الظلم در تعریف سستی خود یک گروهک صرفاً میلیتاری/تروریستی بوده است؛ اما حالا در لوگو و پرچم جدید از طرح سوزن‌دوزی استفاده کرده که از جمله هنرهای دست‌زنان در استان سیستان و بلوچستان است. نکته جالب‌توجه آن است که در ناآرامی‌های ۱۴۰۱ برای اولین‌بار خط تبلیغی استفاده ابزاری از زنان توسط تروریست‌ها در منطقه جنوب شرقی کشور تمرین شد. در آن زمان یک گروه سبایی‌ری با نام «بلوچ زالیولانی زر‌میش» (جنبش زنان بلوچ) مدعی دیوارنویسی و اجرای پروموشن زنان بلوچ در همسویی با شعارهای ناآرامی‌های آن سال شد. بعداً مشخص شد این گروه سبایی‌ری توسط «بنیاد تسلیمی» وابسته به فرقه ضاله بهائیت مدیریت و کنترل می‌شود، این سیر به‌خوبی رد پای صهیونیست‌ها را نشان می‌داد. در ری‌اکشن جدید توجه به جزئیات از سوی تروریست‌ها حکایت دارد که کارگردان بیرونی در حال طراحی صحنه بوده تا به جیش‌الظلم نظم و فرم جدید تشکیلاتی بدهد.

تلاش برای تکثیر سوریه

سومین نکته آنکه به نظر می‌رسد سازمان تروریستی جیش‌الظلم در تدارک است با جهش ژئیتیکی در آزمایشگاه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و آمریکایی‌ها چندوجهی و هیبریدی شود. در سازمان‌یابی جدید، این گروهک دارای یک واحد عملیات رزمی و هسته‌های تروریستی، واحد تبلیغی و ادراکی و نیز واحد همکاری‌های خارجی و ارتباطات خواهد بود، به عبارتی سازمانی تروریستی در چند جبهه خواهد بود. از نگاه کارگردان اصلی این جبهه‌بندی باعث می‌شود خوی جنایت‌کار و مزدور جیش‌الظلم سفیدسازی گردد. بررسی‌ها نشان می‌دهند منافقین در دادن این فرم جدید به جیش‌الظلم نقش مشاوره را دارند و با موساد و جیش‌الظلم در اشتراک‌گذاری تجربیات همکاری کرده‌اند، یکی از ابتکارات منافقین در چند دهه اخیر ساختن جبهه، اتلاف و سازمان‌های متعدد پوششی برای سفیدسازی جنایت، شرارت و همکاری با سرویس‌های اطلاعاتی متخاصم است و به نظر می‌آید پروژه جدید با همین الگو و با هدف سوریه‌سازی در ایران طراحی شده باشد. البته باید دید گروهک جیش‌الظلم تا چه میزان می‌تواند با گرم‌شدن توسط صهیونیست‌ها تطبیق پیدا کند، زیرا در این فرم باید رابطه میان ناسیونالیسم بلوچی، سنت‌های مذهبی و مردسالاری سنتی نقد جدی شود که همین موضوع می‌تواند باعث افتراق بیشتر تا سطح، تسویه‌های خوربین درون‌سازمانی و فروپاشی در میان تروریست‌ها شود، درست مانند سرنوشت منافقین در سال ۵۳ بعد از انتشار جزوه سبز توسط تقی‌شهرام!



شنبه ۲۲ آذر ۱۴۰۴

شماره ۴۵۸۰

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

